

طریقت در میان کردها

نوشته

حسن جافی

(دکتر در فرهنگ و تمدن اسلامی)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوشته : حسن جاف
(دکتر در فرهنگ و تمدن اسلامی)

طریقت در میان کردها

آنچه مسلم است کردان یکی از شاخه‌های مشهور نژاد آریائی هستند که محققان در مورد آریائی بودن آنها شك ندارند^۱ ...
کردها در هر جایی زیسته، پیوندهای گونا گونی آنان را با سایر شاخه‌های نژاد ایرانی مربوط ساخته است. یکی از این پیوندها و علایق استوار دین مبین اسلام است. کردان مانند سایر ایرانیان وابستگی شدیدی به آئین اسلام بویژه مسلک تصوف داشته‌اند و همواره مناطق کردنشین صحنه انتشار یکی از طرق متصوفه بوده است. ما در این مختصر مطالبی درباره طریقت قادریه و نقشبندیه که بیشتر کردها از یکی از این دو طریقت پیروی میکنند ذکر خواهیم کرد.

۱- برای آگاهی بیشتر در مورد نژاد کردها و آریائی بودن آنها، به کتابهای ذیل مراجعه شود:

The Case of Kurdistan against Turks . By - Soane -
Philadelphia - 1930 - P. 20

Encycl - Bratanica - Yol 13 - London - 1968 - P. 510 - 519

ریشه نژادی کردها - احسان نوری پاشا - تهران ۱۳۳۳ - صفحه ۵ تا ۵۰
کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او - مرحوم رشید یاسمی - چاپخانه تابان - بت - م

۳ تا ۵۸ .

افراد زیادی که در مناطق کردنشین به تصوف علاقمندند پیروی یکی از این دو طریقت میباشند. اما این نکته نیز قابل توجه است که بجز تعدادی از مشایخ این دو طریقت، دیگران که خود را پیرو این دو طریقت میدانند از اساس و بنیان تصوف بوئی نبرده اند و اصولاً از اهداف عالی عرفان و تصوف که نیل به سعادت ابدی و اتکا بنفس و تزکیه باطن و ریاضت کشیدن و فقر است، بدورند.

بنیان گذار طریقت قادریه، زاهد مشهور شیخ عبدالقادر گیلانی است. درباره اصل و نسب وی روایات مختلف موجود است که ذکر همه آنها از گنجایش این مقال خارج است ولی تذکر آن ها بصورت خلاصه ضروری میدانیم.

۱- گانخاله مدرسه لریه قم

او شیخ محی الدین عبدالقادر مکنی بابی محمد علوی حسنی میباشد. در سال ۴۷۱ هجری بدنیا آمده و در سال ۵۶۱ هجری زندگی را بدرود گفت. وی از بزرگان اولیای اهل بیت و از اعظام سادات حسینی و از احفاد عبدالله محض بن حسن مثنی بن امام المسلمین حسن بن امیر المومنین علی المرتضی رضوان الله علیهم اجمعین^۱، میباشد.

شیخ عبدالحق دهلوی متولد ۹۵۸ هجری و متوفی سال ۱۰۵۲ هجری در مورد شیخ عبدالقادر گیلانی میگوید: تولد شریف آنحضرت سنه سبعین و بروایتی احدی و سبعین و اربعمائه ذکر شده و مدت ۴۰ سال از عمر خود را به ارشاد خلاق بسر برده است. ۹۰ سال عمر کرده، و فسات وی در سال ۵۶۱ هجری بوده است. در دانش و علم مرجع علمای کشورهای اسلامی بشمار

۲- تاریخ کامل: ابن الاثیر، بیروت، ۱۹۶۶ جلد ۱، ص ۱۴۱. شدوات الذهب؛
عبدالحی بن العماد الحنبلی، جلد ۴، قاهره ۱۳۵۱، ص ۱۹۸

میرفت (حتی فاق الکلفی الکل و صار مرجع الجميع فی الجميع)^۳
حافظ بن کثیر الدمشقی در مورد نسب وی میگوید: «شیخ عبدالقادر-
الجیلی بن ابی صالح محمد الجیلی در سال ۴۷۰ هجری بدنیا آمده، علم حدیث
وفقه را از ابی سعید مخزومی حنبلی آموخت. نامبرده مدرسه‌ای برای
تدریس علوم دینی ساخته بود که آنرا بمنظور ارشاد و تعلیم خلق و طلاب علم
به شیخ عبدالقادر کیلانی واگذار کرد. شیخ عبدالقادر مردی بود پرهیزگار
وساده و از اهل کرامات و مکاشفات که در سن ۹۰ سالگی در گذشت و در همان
مدرسه‌ای که بتدریس میپرداخت، دفن گردید. نسب وی به امام حسن بن علی
رضی الله عنهما میرسد^۴. کسانی که در مورد شیخ عبدالقادر تحقیق نموده‌اند به
این نتیجه رسیده‌اند که شیخ پیر صحبت او شیخ حماد دباس و پیر خرقه او ابوسعید
مخزومی است، و نسبت خرقه او بشیخ معروف کرخی و امام علی الرضا منتهی
میکردد.^۵

عبدالقادر کیلانی از مشاهیر علما و اکابر عرفای اسلامی بشمار میرود.
ایرانی الاصل و از اهل کیلان شمال ایران یا کیلان کرمانشاهان است.^۶ در این
مورد در ذیل کتاب النجوم الزاهره آمده: «الجیلی نسبت الی جیلان و هو اسم
لبلاذ کثیره من وراء طبرستان»^۷.

۳- اخبار الاخیار: عبدالعق‌الدهلوی، لاهور، ب-ت س ۱۵-۱۶

۴- تاریخ ابن الفداء الحافظ بن کثیر الدمشقی جلد ۱۲ بیروت، ۱۹۶۶ س ۳۰۲

۵- حسنات العارفین محمد داراشکوه- با مقدمه و تصحیحات مخدوم دهمین، تهران،
۱۳۵۲ ش. ق. س ۱۰۰ همچنین د.ک: تاریخ جامع شیخ عبدالقادر الکیلانی، هاشم الاعظمی،
بغداد ۱۹۷۱ میلادی، س ۴۳

۶- ایران‌شهر - جلد اول - س ۶۰۵

۷- النجوم الزاهره: ابن تغری بردی جلد ۵ قاهره ۱۱۴۹ هجری، س ۳۷۱

کیلان «طبرستان» امروز یکی از استانهای معروف ایران و مرکز آن، شهر رشت است. بدین ترتیب شیخ عبدالقادر، ایرانی و زاهد کیلان بوده است.^۸ شیخ عبدالقادر، مذهب حنبلی داشته و موافق بر مذهب شافعی و احمد بن- حنبل فتوی میداد. کرامات بیشماری از او حکایت کرده‌اند.^۹ شاکر الکتبی چند موعظه از شیخ روایت کرده که ذکر آن در اینجا خالی از فایده نیست.

الدنيا اشغال والاخرة احوال والمبد فیما بین الاشغال والاهوال حتی استقر قراره اما الی الجنة و اما الی النار. فتشت عن الاعمال کلها فما وجدت فیها افضل من اطعام الطعام اود لوان الدنيا بیدی فاطمها الجیاع^{۱۰}. از شیخ آثاری در فقه و تصوف بجا مانده است که عبارتند از فتوح الغیب، غنیة الطالبین، الفتح الربانی بشائر الخیرات، المواهب الرحمانیه و الفتوحات الربانیة، یواقیت الحکم، جلاء الخاطر، سرا اسرار فی التصوف، تفسیر القرآن الکریم.^{۱۱} طریقت نقشبندی را شیخ بهاء الدین محمد نقشبند، بنیان گذاری نمود. او بسال ۷۱۷ هجری در دهکده‌ای نزدیک به بخارا که قبلا به کوشک هندوان معروف بود، تولد یافت و در سال ۷۹۱ در باودین بخارا در گذشته است^{۱۲} نسب او بشرح زیر است:

خواجه بهاء الدین سید محمد صالح بن سید نصر الدین، بن سید میر قاسم، بن سید محمد بن سید جعفر بن سید موسی بن سید شمس الدین، بن سید امام

۸- برخی از تذکره نویسان بر این عقیده اند که جبل تریه ای است نزدیک بغداد.

۹- پیر کیلان- باهتنام محمود محمدی قادری، سنج، ۱۳۷۵ هجری، ص ۴

۱۰- فوات الوفیات: شاکر الکتبی، قاهره، ۱۹۵۱ میلادی، جلد ۲، ص ۶۲۴

۱۱- تاریخ جامع شیخ عبدالقادر الکیلانی، ص ۵۱

۱۲- تاریخ السیما نیة: محمد امین زکی، ترجمه ملا جمیل روز بیانی، بغداد ص ۲۱۵

خواجه بخارا بن سید موسی الکاظم بن الامام جعفر الصادق بن الامام محمد الباقر بن الامام زین العابدین بن الامام سید الشهداء حسین بن امیر المومنین علی صلوات الله علیهم اجمعین.^{۱۳}

خواجه مردی زاهد و ساده بود، طبق سرگذشت وی احوالش به حصیری کهنه و کوزه‌ای شکسته منحصر بود

نان روزانه را از راه حرفه خویش کسب می کرده و معتقد بوده که صوفی مجاز نیست خدمه و بنده داشته باشد. چنانکه گفتیم این سلسله به نام بهاء الدین نقشبند موسوم گردیده است ولی سلسله مزبور ظاهراً در قرن دوم هجری نیز وجود داشته است.^{۱۴}

طریقت نقشبندیه در دورانهای مختلف از ایالت چینی هانسو گرفته تا قازان و استانبول و بویژه آسیای میانه و ایران و آذربایجان انتشار یافت.^{۱۵} مولانا خالد نقشبندی مروج طریقت نقشبندیه بشمار میرود. ناگفته نماند که طریقت نقشبندیه، قبل از مولانا خالد در کردستان رواج داشته است.^{۱۶} در این مورد سید عبدالصمد نوداری میگوید: «طریقت نقشبندیه از قدیم در کردستان وجود داشته و مولانا خالد نخستین کسی نیست که این طریقت

۱۳- رشعات عین الصیاء: علی بن حسین الکاظمی الهروی، لکنهو هندوستان، ۱۸۷۹،

ص ۵۳-۵۴.

نفعات الانس: عبدالرحمن الجاسمی نسخه خطی، ص ۴۴۷ نقشبند و نقشبندیه: چاپخانه

توانا بندر پهلوی، ۱۳۴۶ شمسی ص ۱۲۲-۱۲۵

۱۴- تاریخ السیماویه: ص ۲۱۷

۱۵- اسلام در ایران: ایلیا و لویج پطروشفسکی، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۱

ص ۳۶۶.

۱۶- برای آگاهی بیشتر در مورد مشایخ طریقت نقشبندیه بکتاب الانوار القدسیه

فی مناقب الساده النقبندیه: محمد محمد الرخاوی، قاهره ۱۳۴۴ ه. ق. مراجعه شود.

را در کردستان انتشار داده است. ۱۷

در رأس طریقت شخصی وجود دارد که به شیخ، پیر و مرشد معروف است. این شیخ دلیل و مرشد مریدان است و هر مریدی باید سلسله طریقت و شیخی که او را در خداشناسی یاری میجوید، بشناسد. ۱۸

بعد از آنکه مرید در محضر شیخ اعلام پشیمانی و توبه از گناهان خود کرد، طریقت را بوسیله دلیل فرا میگیرد و اگر در بجا آوردن تعالیم و احکام و دستورات مربوط به طریقت کوتاهی نکرد و استعدادی در این مورد از خود نشان داد بمرتبہ خلیفه، خواهد رسید. خلیفه بمعنای قائم مقام شیخ میباشد. شخصی که خلیفه میشود، میتواند احکام و تعالیم طریقت را به مریدان تلقین کند و اگر شخصی مدت زیادی در مقام خلیفه ماند و کراماتی از خود بروز دهد بمقام شیخی میرسد و دلیل کامل شناخته میشود. بدین طریق هر شیخی با اجازه شیخ قبلی بمقام رهبری میرسد و مشایخ این دو طریقت حلقهٔ اجازه طریقت را به ابوبکر صدیق و امام علی (رضی) میرسانند. ۱۹

در مناطق کرد نشین به پیروان طریقت نقشبندیه، صوفی میگویند و پیروان طریقت قادریه را، درویش مینامند. درویش یا صوفی شدن منحصر بجنس مردان نیست زیرا زنان نیز میتوانند اجازه طریقت را از شیخ بگیرند مشروط بر آنکه خلیفه و مرشد آنان زن باشد.

مدرسه یا مکانی که شیخ آنرا مرکز خود میسازد، تکیه یا خانقاه

۱۷- چمکیلی میزوی هه و دامان و مریوان، ترجمه محمد ملاکریم، چاپخانه سلمان اعظمی بنیاد ۱۹۷۲، ص ۶۰.

18— Shoter Encycl. I - P. 74

۱۹- کرد ترک و عرب: س. ج. ادوندز، ترجمه جرجیس فتح الله - بیروت ص ۶۴

میگویند. این مکان محل تجمع صوفیان و درویشان است که در آنجا به ریاضتهای نفسانی و اشتغالات طریقتی بالخاصه «ذکر» می‌پردازند. ۲۰
 مرید پس از مدتی کمابیش دراز آزمایش، به جرگه اخوت درویشان راه یافته، پذیرفته می‌شد ۲۱ و در این موقع شیخ به مرید خرقه می‌پوشانید. «خرقه» کلمه‌ای است عربی بمعنی «پوشاک سوراخ سوراخ» «زنده پاره پاره» از خرق که یکی از معانی آن سوراخ کردن و دریدن است، گرفته شده است. صوفی می‌بایست این خرقه را مادام العمر بر تن داشته باشد. درویش پس از خرقه پوشی «حجره‌ای» در خانقاه می‌داشت و رابطه وی با شیخ و مربی‌اش در همه مدت زندگی باقی و برقرار بود. ناگفته نماند رسم خرقه پوشاندن بوسیله شیوخ طریقت در مناطق کرد نشین کامیاب شده است.

مریدان طریقت قادر به نقشبندیه اراده خویش را نادیده انگاشته، مطیع خواست شیخ و مرشد خود می‌شده، شیخ را در برابر خویشتن گونه‌ای از جانشین خدا می‌دانسته، مریدان در محضر شیخ به گناهان اعتراف و در برابر او «توبه» می‌کردند.

صوفی یادرویش ذکر نام خدا را به این صورت مبتنی بر قرآن میدانسته

۲۰- برای اطلاع بیشتر در مورد مراکز تصوف بکتاب: علم و تمدن در اسلام: تألیف حسین نصر: ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۵۰، ص ۷۸-۷۹ مراجعه فرمایند.

۲۱- در جرگه اخوت درویش که مولانا جلال‌الدین رومی شاعر نامی ایرانی تأسیس کرده بود، آزمایش مرید، یک‌هزارویک روز به درازا می‌کشید. از این مدت مرید ۴ روز شغل مهتری اسبان خانقاه را انجام می‌داد، ۴ روز مزبله و مستراح را پاک می‌کرد، ۴ روز آبکشی می‌کرد، ۴ روز حیاط را جاروب می‌کرد ۴ روز میز می‌کشید و ۴ روز آشپزی می‌کرد. هدف از انجام کارهای سخت و پست این بوده که غرور مرید درهم شکند و میزان اطاعت و آمادگی او در اجرای اوامر شیخ مورد آزمایش قرار گیرد. ک: اسلام در ایران ص ۴۴۳.

وقل الله، ۲۲ بگو الله و ایها الذین آمنوا ذکر و الله ذکرأ کثیراً و سجوه بکرة واصیلاً^{۲۳}.

یعنی ای مومنان، خداوند را بسیار یاد کنید. بامداد و شبانگاه تسبیحش کنید.

ذکر بردو گونه بوده، یکی «ذکر جلی»، بمعنای آشکار و دیگر «ذکر-خفی». میان متصوفین طرائق مختلف مباحثات پرشوری در گرفته که آیا فقط ذکر خفی در خاموشی با توجه جایز است یا ذکر «جلی» با سرایش و موسیقی «سماع» و رقص و حال نیز مجاز است.

پیروان طریقت قادریه مراسم خود را جلیاً و با حضور عده زیادی از مشاهدهین انجام میدهند. اتباع این طریقت، وصول بمعق و درک حقیقت و صفای روح را در قیل و قال و سماع و جنبش و رقص میدانند و عقیده دارند لذت جسم موجب شادمانی روح میشود. بهمین دلیل در مجالس خود با حضور مرشد دف میزنند و با آهنگ مخصوصی سر و کردن خود را ابتدا آهسته و بتدریج سریعتر حرکت میدهند و تا آخرین سرعت توانائی این عمل را تکرار میکنند و این گفتار و حرکات را «ذکر» یعنی یاد خدا میگویند و بعد از آنکه چندین ساعت به این وضع ادامه دادند «حال» پیدا میکنند. حال بمعنای لغوی «وضع و حالت» و اصطلاحاً بمعنی سرور و شغف عرفانی است و یکی از معانی آن از حول یعنی دگر کون شدن و مبدل گشتن است^{۲۴}. درویش در این مرحله بیخودی که گویا از باده وحدت

۲۲- قرآن سوره ۶- آیه ۶۱

۲۳- قرآن سوره ۳۳ آیه ۴۱ و ۴۲

۲۴- اسلام در ایران ص ۳۴۴

سر مست شده انواع و اقسام رفتار خارق العاده از خود نشان میدهد. سیخ و خنجر به گلو و شکم و چانه و زبان فرو میکند و این حرکات واقعاً سرسام آور و عجیب است. مینورسکی در این مورد مینویسد: دوست من د. د. بلیائیف یکی از این شیوخ قادریه را دیده، پیروان وی بعد از آنکه بمرحله «حال» رسیدند، شروع به پریدن و بدور خود چرخیدن و سر بديوار کوبیدن کردند و این منظره ترسناک باعث آن شده که یکی از اروپائیان همراه ما از شیخ استدعانماید که پیروان خود را آرام کند^{۲۵}.

پیروان طریقت نقشبنديه، عرفان و وصول بحق را در تفکر و سکوت میدانند و از قیل و قال و رقص و جنبش پرهیز میکنند و معتقدند «تفکر ساعه خیر من عبادہ الف سنه»

هنگام تجمع، در اطراف مراد خود حلقه میزنند، چشمها را می بندند و مدتی در فکر فرو میروند و این حالت را «رابطه» مینامند. مراد، هر کسی را محتاج ارشاد بداند انتخاب کرده و دوزانو در مقابل او می نشیند و با نگاه به چشمانش بتعلیمات روحی او می پردازد. این عمل را «توجه» میگویند. هر اندازه روح کسی که ارشاد میشود مستعدتر باشد توجه مراد بیشتر تاثیر میکند چنانچه گاهی منجر بنعره کشیدن او میشود. این وضع موسوم به «حال»، «یا»، «جذبہ» است و باید اینقدر تکرار شود تا مرید بصفای باطنی برسد و از توجه بی نیاز گردد.

در پایان این مجالس، همیشه یکی از مریدان که از دیگران برتر و موسوم بتخلیفه است، شروع بتسبیح و تهلیل نموده و از ارواح بزرگان و

۲۵- الاکراد ملاحظات وانطباعات: تألیف مینورسکی ترجمه معروف خزندار،

بنفداد، ۱۹۶۸ میلادی ص ۵۲.

پیشوایان استمداد مغفرت میجوید . کردها از دیر زمان اعتقاد بقول و فعل
 مشایخ دارند و برای مشایخ طریقت کرامات و احترامات زیاد قائلند و
 غالباً بدون مشورت و صلاحدید آنها دست بکاری نمی‌زنند.^{۲۶}
 این دو طریقت که در میان کردها رواج دارد ، سهم بسزائی در کاهش
 دادن روح خشونت آمیز کردهای ایلاتی و روستائی که از نعمت سواد
 محرومند ، داشته است .



۲۶- سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی: تألیف رضا علی دیوان بیگی، تهران-۱۳۵۱،
 ص ۵۵ همچنین د.ک : کرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او ص ۱۲۳.